

# زندگی

کودک کیست؟ کودکی چیست؟

## کودک شرور یا کودک معصوم

الهام اسماعیلی

نویسنده



کودک عامل  
محصول دوران یا  
فضاهای مجازی و  
تکنولوژی است.  
این کودک نه  
نادان و نه ناتوان  
است. او دارای  
توانایی است  
که در دنیای  
دیجیتال او را از  
بزرگسالانش  
پیش تر  
برده است

یونسف در جهان، روز ۲۰ نوامبر را به عنوان روز کودک اعلام کرد و در بسیاری از کشورها این روز را برای کودک جشن می گیرند.

در ایران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳ تا ۱۹ مهر را هفته ملی کودک نامید و در این هفته برنامه های مختلفی از سوی این نهاد برای کودکان سرزمین مان برگزار می کند. همچنین انجمن حمایت از حقوق کودکان، روز ۸ اکتبر مصادف با ۱۶ مهر را روز جهانی کودک نامید که هر سال آن روز را جشن می گیرند. حال به بهانه آن می خواهیم بدانیم کودک کیست؟

کودک یک موجود و مفهوم عینی است که از ابتدای حضور انسان در کره خاکی حضور داشته است. کودک موجودی بازیگوش، هیجان خواه، عمدتاً شاد و سرخوش است. از نظر قانون و براساس ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، هر فرد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می شود. چون افراد زیر ۱۸ سال اجازه بازکردن حساب بانکی و حق رأی ندارند و جرم شان نیز براساس قانون جدا از دیگر افراد بررسی می شود. در نظر عرف و عامه مردم دوره پس از پایان شیرخوارگی تا ابتدای بلوغ (نوجوانی) فرد را کودک می نامند و از این دوره به عنوان کودکی یاد می کنند. مرحله اساسی رشد جسمی و ذهنی، شکوفایی و تحول توانایی ها و استعدادها، شکل گیری ساختار خلق و خو در انسان و زیرساخت دوران جوانی و بزرگسالی در بازه سنی ۲ تا ۱۰ سالگی که فرد کودک نامیده می شود، رخ می دهد.

پس کودکی به چه معناست؟ در جامعه شناسی زیررشته مطالعات کودکی، کودکی مفهومی ذهنی است که با توجه به ویژگی دوران مختلف تاریخی، شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی جنسیتی در هر جامعه شکل گرفته است. کودک مفهومی بیولوژیک و کودکی مفهومی اجتماعی و پدیده ای تاریخی است.

از منظر روانشناسی، کودک و کودکی در برهه های مختلف تاریخی تعاریف متعددی داشتند. در سده های میانه که انسان مورد توجه قرار گرفت و بالطبع آن، کودک، کم کم شناخته شده بود، گروهی کودک را موجودی پلید و شرور می دانستند و چنین فرض می کردند که شرارت، شیطنت، فساد و پستی، عناصر اولیه و عمده در موجودیت کودک است.

مثال کودک شرور را می توانیم در آثار ادبیات کلاسیک جهان ببینیم. در دوران مدرن کودک معصوم و بی گناه در مقابل کودک شرور قرار گرفت. حال والدین باید در برابر جهان بد از او محافظت می کردند و این آغاز برنامه ریزی و نقش حمایتی بزرگسالان در قبال کودک بود. کودک فطری دیگر نظریه دوران مدرن بود که از سوی جان لاک مطرح شد، وی کودک را ذاتاً پاک همچون یک کاغذ سفید می دانست که آمادگی لازم برای

تبدیل شدن به هر آنچه دیگران می خواهند و او را به همان منظور آموزش می دهند، دارد. تا اینکه ژان پیاژه در اوایل قرن بیستم، نظریه رشد مرحله ای خود را بیان کرد و کودک دارای رشد طبیعی را معرفی کرد: پیاژه بر این باور بود که در فرایند رشد، خود کودک شرکت کننده ای فعال است و دست روی دست نمی گذارد تا رشد بیولوژیک یا محرک های خارجی، کار خودشان را بکنند.

او کودکان را دانشمندانی کنجکاو می دانست که به تحقیق و آزمایش درباره اشیا می پردازند و به درون محیط دست می زنند تا ببینند چه اتفاقی خواهد افتاد. مثلاً دست و پای عروسک خود را می کند یا چرخ ماشین اسباب بازی را از آن خارج می کند یا دست در پرز برق یا لوله جارو برقی و... می کند تا خودش نتیجه کارش را مشاهده کند و از آن یاد بگیرد و این پایه ای برای شکل گیری آموزش از طریق مفاهیم رشد شناختی به کودک بود.

از سوی دیگر نیز فروید پزشک و عصب شناس با توجه به روان انسان ها، بحث کودک ناخودآگاه را مطرح کرد که تا بزرگسالی در رفتار و روان فرد حضور دارد که در این یادداشت جای توضیح آن نیست.

در جامعه شناسی نیز کودک را با تعریف های مختلف بیان می کنند. در جامعه شناسی پیش از مدرن، کودک اجتماعی یا ابزاری نامیده می شد یعنی کودکی که شهروند نیست و در این دوران موقتی باید تحت تعلیماتی قرار بگیرد تا برای نقش های بزرگسالی آماده شود، یعنی همان آماده شدن برای کسب درآمد.

در جامعه شناسی مدرن تعریف از کودک نقطه مقابل کودک اجتماعی یا ابزاری است. به او کودک ساختاری می گویند که به عنوان شهروند تعریف می شود و در جامعه نقش و مسئولیت خودش را دارد.

حالا امروزه در جامعه شناسی پست مدرن شاهد تعریف از کودک عامل هستیم، کودک عامل محصول دوران یا فضاهای مجازی و تکنولوژی است. این کودک نه نادان و نه ناتوان است. او دارای توانایی است که در دنیای دیجیتال او را از بزرگسالانش پیش تر برده است. با شناخت ویژگی های کودک امروز و تفاوت قائل شدن میان رشد بیولوژیک آنها و رشد شناختی و اجتماعی شان در این جامعه، به جواب بسیاری از سؤال هایمان در مواجهه با رفتار و عملکرد کودکان در مواقع خاص پی خواهیم برد و او را در این مختصات اجتماعی بهتر درک می کنیم. به قول جامعه شناسان کودکی مفهومی برساخته دوران است.

کودک این روزگار ما مطالبه گر و منتقد بزرگسالان و جامعه است و ما باید برای حجم زیادی تغییر از سوی آنها در قواعد مرسوم آماده باشیم.



در جامعه شناسی مدرن تعریف از کودک نقطه مقابل کودک اجتماعی یا ابزاری است. به او کودک ساختاری می گویند که به عنوان شهروند تعریف می شود و در جامعه نقش و مسئولیت خودش را دارد

